پرسش های صریح از بهزاد نبوی

گفت و گو: ژیلا بنی یعقوب
Byaghoob@aoij.org

با بهزاد نبوی در دفتر کارش در ساختمان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در خیابان انقلاب تهران مصاحبه کردم. یک ساختمان قدیمی با اتاق هایی غیرآراسته... شاید هیچ کس در این ساختمان فرصتی برای آراستن دفترکار عضو برجسته سازمان نداشته و شاید هم در اینجا کسی به تزئینات و آراستگی های مرسوم اعتقادی ندارد.
وقتی از نبوی که بسیاری از کارشناسان سیاسی او را یکی از سران جنبش اصلاحی در ایران می‌دانند، پرسیدم: «شما چرا هرگز با اصلاح طلبان خارج از حاکمیت از جمله فعالان ملی-مذهبی وارد گفت و گو نشدید؟» با خنده‌ای گفت: «اولاً که ضرورتی نداشته، ثانیاً همین حالا هم که با آنها وارد گفت و گو نشده‌ایم، بسیاری از سؤالاتی که در زندان از آنها پرسیده‌اند، درباره ما بوده است...درباره ما و ارتباطشان با ما...، ارتباطی که هرگز وجود نداشته است.»

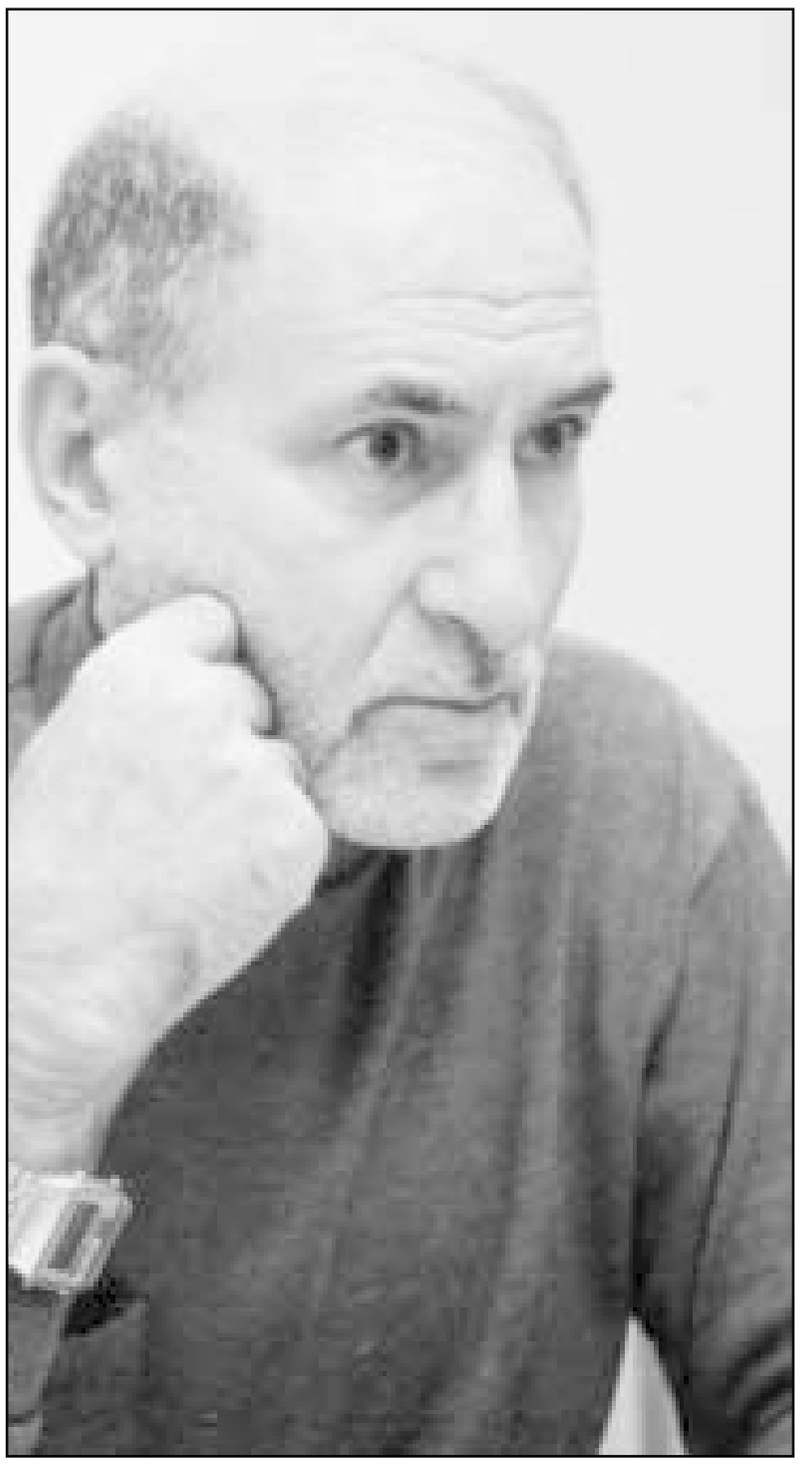

شما اصلاح طلبان در مجلس از حداکثر توان و پتانسیل خود برای آزادی آقای لقمانیان نماینده همدان استفاده کردید. ما به جز لقمانیان زندانیان دیگری هم داشتیم، روزنامه‌نگاران زندانی، دانشجویان زندانی، فعالان ملی مذهبی...آیا حق دارم این سؤال را بپرسم که چرا از توان خودتان برای آزادی دیگر زندانیان و یا حداقل بهبود وضعیت آنها استفاده نکردید؟

به نظر من مقایسه شما درست نیست. اولاً مورد آقای لقمانیان با همه موارد دیگر متفاوت است. ایشان نماینده مردم است. نماینده همان روزنامه نگاران زندانی، نماینده همان دانشجویان زندانی و نماینده همان ملی-مذهبی های زندانی است که شما به آنها اشاره می کنید.

قانون اساسی و قوانین عادی کشور به نمایندگان مجلس این حق و مصونیت را داده‌اند که برای دادخواهی از مردم صحبت کنند. اتفاقاً صحبت های لقمانیان در ارتباط با مسائل قوه قضائیه بود و آنچه که مهمترین عامل محکومیت ایشان شد به کار بردن لفظ بی دادگاه برای برخی از دادگاه های جمهوری اسلامی بود. مردم او را انتخاب کردند که از حقوقشان دفاع و درباره همه مسائل کشور اظهارنظر کند.

اصل ۸۴ قانون اساسی تأکید دارد که نماینده می تواند درباره تمامی مسائل مملکتی اظهارنظر کند. اما لقمانیان را بر خلاف اصل ۸۶ قانون اساسی که اظهارات و آزادی نماینده را مصون از تعرض می داند و ماده ۷۵ قانون آیین نامه مجلس بازداشت می کنند.

دقت دارید که بازداشت لقمانیان یعنی بازداشت همه آن آدم هایی که شما نام بردید، یعنی بازداشت ملت. یعنی ملت دیگر حق اعتراض به چیزی را نخواهد داشت.

بنابراین موضوع لقمانیان خیلی فرق می کند. البته نه به خاطر اینکه شخصیت مهمی است بلکه به خاطر اینکه ملت لقمانیان را انتخاب کرده‌اند که در حیطه وظایف نمایندگی اش حرف بزند و از حقوق شان دفاع کند. از جمله اینکه از حقوق شهروندان زندانی و مظلوم دفاع کند. به همین دلیل است که می گویم بازداشت لقمانیان به معنای بازداشت همه ملت است. منظورم لقمانیان نوعی است. لذا ایستادگی در مقابل بازداشت لقمانیان به معنای دفاع از حقوق همان روزنامه نگاران زندانی، دانشجویان زندانی و زندانی های ملی-مذهبی است.

اگر حق لقمانیان حفظ نشود، حق هیچ کس حفظ نخواهد شد و اگر حق او حفظ شد بقیه موارد هم قابل پیگیری و دسترسی است. لقمانیان بر خلاف اصول صریح قانون اساسی و آیین نامه داخلی مجلس بازداشت شد و حتی شورای نگهبان که با تفسیری جدید مصونیت پارلمانی نمایندگان را مورد تردید قرار داد، فعلاً نتوانست، آن را نفی کند یعنی تفسیر تازه اش در واقع نکته جدیدی نداشت. مجلس در مقابل کاری که خیلی صریح خلاف قانون اساسی بود ایستادگی کرد.

یعنی فقط بازداشت لقمانیان خلاف قانون بود؟

نه! اما بازداشت او با محکومیت افرادی که قاضی جرم و اتهام او را تشخیص داده، متفاوت است. البته ما به خیلی از احکام صادره از سوی قوه قضائیه اعتراض داریم و با شیوه های گوناگون هم اعتراض کرده‌ایم. نامه های متعدد، سخنرانی های متعدد قبل از دستور...در مورد لقمانیان هم ما کار خوبی کردیم.

من نگفتم مجلس کار بدی کرده است، گفتم چرا این تلاش را برای دیگرانی که حقوقشان پایمال شده بود، انجام ندادید؟

در نظر داشته باشید که مجلس ظرفیت معینی دارد اتفاقاً در تحصن معلمان هم یکی-دو نفر اعتراض می کردند که «چرا آقای کروبی برای بازداشت لقمانیان اداره مجلس را رها می کند اما برای احقاق حقوق ما رها نمی کند.» اگر قرار باشد برای هر موضوعی مجلس همان سرمایه گذاری برای لقمانیان را بکند، دیگر هیچ کاری نباید انجام بدهد. یک روز برای اعتراض به کمبود حقوق معلمان باید مجلس را ترک کنیم، یک روز برای زندانی شدن روزنامه نگاران، یک روز برای زندانی شدن دانشجویان و همین طور الی آخر...در این مملکت هم آنقدر مشکل وجود دارد که دیگر مجلس نتواند به کار دیگری برسد. علاوه بر این شما فراموش نکنید مجلس اگر به طور مداوم از حداکثر ظرفیت هایش در هر مورد استفاده کرد، کارآمدی اش را از دست خواهد داد.

مجلس پایگاهی برای دفاع از استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی است و با دفاع از یک دوست عزیز که بنا به دلایلی در یک دادگاه محکوم شده، فرق دارد. ضمن اینکه در چنین مواردی هم مجلس دفاع خودش را انجام داده است، امانه به این شکل که آقای کروبی جلسه مجلس را ترک کند یا فراکسیون دوم خرداد روزی چهار بیانیه درباره اش بدهد. ما به خاطر دستگیری لقمانیان وضعیت فوق العاده اعلام کردیم و نمی توانیم در هر موردی همین کار را بکنیم. ضمن اینکه عکس نظر شما-خیلی از مردم از اقدام مجلس در مورد لقمانیان استقبال زیادی کردند.

آقای نبوی! من منظورم از طرح این سؤال اصلاً این نبود که چرا درباره لقمانیان اقدام قاطعی کردید؟ پرسشم را تکرار می کنم که چرا در موارد دیگر چنین قاطعیتی نشان ندادید؟ چون پاسخی که دادید قانعم نکرد، پرسشم را جور دیگری مطرح می کنم که آیا قرار است اصلاح طلبان فقط در مواردی که خطر متوجه خودشان می شود، واکنش شدید نشان بدهند؟ یعنی می خواهم بدانم که چرا با همان قاطعیتی که درباره لقمانیان و انتخابات گلستان عمل کردید درباره قانون مطبوعات، تحقیق و تفحص درباره ماجرای کوی دانشگاه، قتل های زنجیره‌ای و طرح جرم سیاسی عمل نکردید؟ اصلاح طلبان تاکنون درباره دو مسأله با اتفاق نظر و قاطعیت برخورد کرده‌اند که هر دو به نوعی به خودشان مربوط می شده است. «لقمانیان» و «انتخابات گلستان». آیا ممکن نیست این تصور برای افکار عمومی به وجود بیاید قاطعیت چرا فقط مخصوص مسائل مربوط به خودتان شده است؟

شما در سؤالتان گفتید مسائلی که به ما اصلاح طلبان مربوط می شود، من می خواهم بپرسم آیا واقعاً آنچه که به ما مربوط می شود، به مردم مربوط نیست. تبلور دموکراسی و مردم سالاری در بسیاری از کشورهای جهان پارلمان است، اگر پارلمان نتواند به وظایف قانونی خودش عمل کند، نتواند سخنگوی ملت باشد و نتواند از سوی ملت فریاد بکشد و از سوی ملت اعتراض و انتقاد کند، هیچ کس دیگری نمی تواند در آن کشور این کار را بکند، چون پارلمان مرکز قانونگذاری است. مرکز نظارت بر اجرای قوانین است و مرکز تظلم مردم است فرض کنیم ما در هیچ زمینه‌ای جز مواردی که به مجلس مربوط می شود، اقدام نکنیم آیا تبعات و نتایج آن فقط مربوط به نمایندگان خواهد شد یا مربوط به همه ملت است؟ شما حساب کنید اگر امروز یک پارلمان آزاد و شجاع و متهور در کشور نداشتیم، اصلاً هیچ کدام از این مسائل به وجود نمی آمد. شما می دانید بعد از انتخابات ۲۹ بهمن ۷۸ که انتخابات مجلس ششم برگزار شد، تلاش گسترده‌ای به عمل آمد که مجلس تشکیل نشود یا اگر هم تشکیل می شود در یک شرایط اختناق تشکیل شود. شاید هم به همین خاطر بود که بلافاصله بعد از انتخابات مجلس ۱۳ روزنامه توقیف شد.

نوزده روزنامه بود...

سیزده تا در یک روز و بقیه در روزهای بعدی. می خواهم بگویم همه این مسائل به خاطر این بود که این مجلس شکل نگیرد و همه هم فکر می کردند با شکل گرفتن مجلس آزاد و نمایندگان شجاع و متهور، حداقل صدای مردم به جایی خواهد رسید. واقعاً هم همین طور شد. بنابراین اگر از کیان این مجلس و انتخابات این مجلس دفاع شود، فقط در جهت منافع ۲۸۸ نماینده مجلس نیست، در جهت منافع همه ملت است. همه مردم مایلند قانون انتخابات به گونه‌ای باشد که قدرت انتخابشان را بیشتر کند و عوامل بازدارنده بر سر راه انتخابات آزاد از بین برود. بنابراین اگر فردا نمایندگان برای اصلاح قانون انتخابات تلاش کردند، این تلاش برای خودشان نیست. نکته مهمتر اینکه اگر نمایندگان این دوره می خواستند برای خودشان تلاش کنند بهترین راهش این بود که سازش کنند تا کار به بحث انتخابات گلستان و این طور مسائل نرسد.

از همین حالا نداها و اولتیماتوم ها به ما رسیده که صلاحیت خیلی از نمایندگان فعلی تأیید نخواهد شد. همه نماینده ها می دانند که با روال فعلی هیچ کدام از نمایندگان اصلاح طلب مجلس در دوره بعدی تأیید صلاحیت نخواهند شد. اگر به خاطر خودشان می خواستند کار کنند خب می ساختند، اصلاً لازم هم نبود بسازند کافی بود کمی ساکت باشند، منظم و مرتب بیایند و بروند تا اینکه این چهار سال تمام شود.

و اما درباره تعطیلی مطبوعات، کوی دانشگاه، دانشجویان زندانی، قتل های زنجیره‌ای که پرسیدید، همه اینها قبل از تشکیل مجلس ششم اتفاق افتاده بود.

بله! قبل از تشکیل مجلس ششم بود، اما راه پیگیری شان که بسته نبود در ضمن من درباره مطبوعات نپرسیدم درباره «قانون اصلاح مطبوعات» پرسیدم.

مجلس یکسال بعد از واقعه کوی دانشگاه ضمن انجام تحقیق و تفحص درباره آن، طرح عدم ورود نیروهای مسلح به دانشگاه را دنبال کرد. همه کارهایی که بعد از وقوع یک حادثه به طور قانونی از دستمان برمی آید، درباره همه مسائلی که گفتید انجام داده شد. وقتی مجلس ششم تشکیل شد، حادثه کوی دانشگاه اتفاق افتاده و دادگاهش هم تمام شده بود، ۱۹ روزنامه هم توقیف شده بودند. طبیعی است که عکس العمل درباره این حوادث با عکس العمل در برابر مسائل روز مثل انتخابات گلستان فرق می کند. این را هم بگویم که انتخابات گلستان در واقع آغاز یک سناریو و استراتژی جدید در قبال اصلاحات بود. یعنی متوقف کردن روند اصلاحات. اصلاحات هم به این ۲۸۸ نفر مجلس ختم نمی شود، به کل مردم مربوط است. بر اساس اطلاعاتی که داشتیم، به این نتیجه رسیدیم که قرار است انتخابات گلستان نمونه و مقدمه‌ای برای انتخابات دور هفتم و جمع کردن بساط اصلاحات باشد و طبیعی بود که باید با تمامی قوا در برابر آن ایستادگی می کردیم. به دلیل ضعف تشکل های سیاسی در کشور مجلس خیلی جاها مجبور شده است خلأ آنها را هم پر کند. به خواست خدا الان جبهه دوم خرداد فعال شده و ظرف یکی-دو ماه اخیر چندین بیانیه صادر کرده است. کنگره سراسری جبهه دوم خرداد هم به زودی تشکیل خواهد شد و با فعال تر شدن تشکل های سیاسی در بیرون، مجلس وظایف آنها را بر عهده نخواهد گرفت و آنها کار خودشان را خواهند کرد و ما هم کار خودمان را. روزنامه نگاران و دانشجویان و فعالان سیاسی اگر بفهمند در انتخابات دور هفتم مجلس به هیچ احدی اجازه نخواهند داد از فیلتر نظارت استصوابی عبور کند، تصور نخواهند کرد که عمل مجلس در انتخابات گلستان فقط به خاطر خودشان بوده است.

آقای نبوی! نگفتید چرا درباره «اصلاح قانون مطبوعات» پیگیری و تلاش لازم را انجام ندادید؟ یعنی می خواهم بدانم چرا با تهور و شجاعت ماجرای اصلاح قانون مطبوعات، کوی دانشگاه، قتل های زنجیره‌ای و دیگر مسائل را پیگیری نکردید؟

یک بار یکی از دوستان در پاسخ به سؤال کسی که می گفت فلانی خیلی شجاع است، گفت: «نه این شجاع نیست شعور ترسیدن ندارد.» بین شجاعت و عقلانیت باید رابطه برقرار کرد. شجاعت در همه جا به تنهایی پاسخ نمی دهد. شجاعت در جایی کاربرد دارد که همراه با عقلانیت باشد. شجاعت بدون عقلانیت اصلاً جواب نمی دهد. لذا امیدوارم منظور شما از شجاعت همین باشد. شجاعت به معنای بی کلگی و نداشتن شعور ترس نیست، شجاعت همراه با درایت و عقلانیت اثر دارد. یعنی اینکه در هر زمینه‌ای باید بر اساس یک تحلیل مشخص پا به صحنه گذاشت و از شجاعت ها و ظرفیت ها استفاده کرد و اگر بدون تحلیل و پیش بینی عواقب هر حرکت، اقدام شود هر چقدر هم شجاعت به کار برده شود، باز هم فایده‌ای ندارد. هنر این است که یک شطرنج باز شجاع باشید نه یک اتومبیل ران شجاع که نود درصد حرکت هایش توأم با ریسک است. در واقع حرکت سیاسی، یک بازی شطرنج است که باید عقل را به طور کامل به کار ببرد، هر جا لازم است، مهره را با شجاعت کامل حرکت داد. ولی قبل از آن باید حرکت طرف مقابل را ببینی و بر اساس آن تصمیم گیری کنی. و اما درباره اصلاح قانون مطبوعات یک چیز را هم باید در نظر داشته باشید ما اصلاح طلب هستیم و مدعی انقلابی بودن و به هم ریختن همه چیز و ایجاد یک نظم نوین با یک تحول غیرقانونی و غیرمسالمت آمیز و غیرتدریجی و غیردموکراتیک نیستیم. ویژگی های یک حرکت اصلاحی «قانونی بودن»، «تدریجی بودن»، «مسالمت آمیز بودن» و «دموکراتیک بودن» است. هیچ حرکتی از ما صادر نمی شود مگر اینکه در این چارچوب بگنجد. بنابراین با توجه به این اوصاف باید حرکت های ما ارزیابی شود. و اما درباره اصلاح قانون مطبوعات باید بگویم اعتقاد همه ما این بوده و هست که قانون مطبوعات نارسایی دارد. به همین خاطر هم به محض تشکیل مجلس ششم بحث اصلاح قانون مطبوعات مطرح شد. ما حتی خواهان بازگشت به قانون مطبوعات سال ۶۴ بودیم که در زمان جنگ در زمان حیات امام تصویب شده بود. نه چیز دیگر. یعنی واقعاً چیزی غیر از بازگشت به آن قانون در نظر نداشتیم و معتقد بودیم مجلس پنجم در آستانه پایان کارش با تصویب آن طرح شتابزده، محدودیت های فراوانی را برای مطبوعات آزاد ایجاد کرد. طبیعی هم بود که نمایندگان جدید آن تغییرات را برنتابند. رهبری به مجلس پیغام دادند که «این قانون جدید تازه به مرحله اجرا درآمده، شما بگذارید چند ماهی بگذرد تا این قانون اجرا شود و اگر کاستی هایی داشت درصدد اصلاح آن برآیید که اگر این کار را نکنید و الان درصدد اصلاح این قانون برآیید تلقی این خواهد بود که برخورد شما سیاسی است.» با توجه به پیام رهبری، مجلس پیشنهاداتی که در مورد اصلاح قانون مطبوعات داشت تعدیل کرد و به حداقل رساند و با این تصور که می تواند عملی و اجرا شود و به طور طبیعی هم اصلاحات پیشنهادی اش را به صحن مجلس فرستاد و وقتی قرار شد در مجلس مطرح شود، رهبری نامه ای نوشتند و اعلام کردند که تغییر قانون مطبوعات را در شرایط فعلی صحیح نمی دانند. مجلس می توانست دو کار انجام دهد. چون نظر رهبری یک نظر ارشادی بود و حکم حکومتی نبود ولی فراکسیون جبهه دوم خرداد در مجلس با بررسی نظر ایشان ترجیح داد این نظر ارشادی را بپذیرد و در آن شرایط از طرح قانون مطبوعات در مجلس خودداری کند. اگر مجلس این کار را هم انجام نمی داد، ضمن بی احترامی و بی توجهی به نظر رهبری نتیجه اش فرقی نمی کرد. چرا که طبعاً این نامه منتشره در اختیار شورای نگهبان هم قرار داشت. شورای نگهبان در حال حاضر به دلایل خیلی عجیب و غریب طرح ها و لوایح مصوب مجلس را رد می کند، دیگر چه برسد به اینکه رهبری صریحاً اعلام خلاف بودن قانونی را کرده باشند.

یعنی اگر مقاومت می کردیم در واقع نه فقط تغییری در قانون مطبوعات حاصل نمی شد که به نظر می آمد مجلس به نظر رهبری بی توجه است و به راهنمایی ها و رهنمودهای ایشان توجهی نمی کند. گر چه همه آن کسانی که این تهمت ها را ممکن بود به مجلس بزنند خودشان در حیات امام خلاف این را مطرح کرده بودند. امام به طور صریح و مکتوب در مورد رأی دادن به کابینه مهندس موسوی نظر مثبت داده بودند، اما ۹۹ نفر از نمایندگان که حالا این تهمت ها را به ما می زنند به کابینه ایشان رأی ندادند.

به هر حال فراکسیون جبهه دوم خرداد تشخیص داد که وقتی رهبری به طور صریح یک مطلبی را اعلام می کنند، صحیح نیست که با آن مخالفت کنند.

آقای نبوی! چرا ماجرای کوی دانشگاه را با شجاعت و قاطعیت لازم پی نگرفتید، نه فقط هیچ کدام از متهمان واقعی کوی دانشگاه مجازات نشدند که دانشجویان زیادی هنوز که هنوز است مظلومانه در زندانند؟

مجلس اقدامات زیادی در این مورد انجام داده است.

مثلاً؟

منظورتان از سؤال این است که چه نتایجی عاید شده یا اینکه چه کارهایی انجام شده است؟

هر دو را بگویید آقای نبوی؟

شما به عنوان یک خبرنگار، خوب بود تعداد سخنرانی های قبل از دستوری را که درباره حادثه کوی دانشگاه در مجلس انجام شده، بررسی می کردید که چند نماینده و چه مدت در مورد کوی صحبت کرده‌اند. از این گذشته طرح تحقیق و تفحص در این زمینه مطرح اینکه چه قدر از آن توانست عملی شود، بحث دیگری است. همچنین طرح ممنوعیت ورود نیروهای مسلح به داخل دانشگاه به منظور عدم تکرار چنین حوادثی مطرح شد.

مجلس در چهارچوب اختیارات و امکاناتی که دارد، می تواند اقدام کند. طبق قانون اساسی مهمترین کار مجلس تصویب قوانین است آن هم تا مرحله شورای نگهبان و نظارت بر حسن اجرای قوانین. برای پیگیری حادثه کوی دانشگاه چه امکانی برای مجلس وجود داشت که از آن استفاده نکرد؟ مهمترین کاری که می شد انجام داد، این بود که با تصویب قانونی از تکرار چنین حوادثی جلوگیری شود و البته هنوز در شورای نگهبان است و تأیید نشده است.

طرح های تحقیق و تفحص هم که با موانع متعددی روبه رو شده جای خود را دارد. حالا بفرمایید چه کار دیگری از مجلس در این مورد برمی آمد؟

آقای نبوی! روی پرسشم درباره کوی دانشگاه و دانشجویان زندانی پافشاری می کنم. چرا که فاجعه کوی روح ملت را جریحه دار کرد اما حتی یکی از لباس شخصی های مجرم هم تا این لحظه مجازات نشده است و دانشجویانی مثل احمد باطبی و کثرانی به زندان های طویل المدت محکوم شدند و بسیاری از دانشجویان زندانی شرایط بسیار دشوار روحی و جسمی را در زندان تحمل کردند و ظاهراً سال ها باید زندان را تحمل کنند. امیدوارم پاسخ صریح تری به این سؤال بدهید که اصلاح طلبان برای آنها چه کرده‌اند و یا چه می خواهند بکنند؟ همین سؤال را درباره روزنامه نگاران زندانی و پرونده قتل های زنجیره‌ای و فعالان ملی مذهبی هم دارم؟

گر چه حادثه کوی دانشگاه بسیار حادثه تلخ و دردناکی بود ولی مجلس یکسال بعد از وقوع آن که نمی توانست در مجلس وضعیت فوق العاده اعلام کند، هیچ کس این را از ما قبول نمی کرد.

درباره روزنامه نگاران زندانی مجلس چه می توانست بکند که نکرد.

خانم فاطمه حقیقت جو به خاطر دفاع از یک روزنامه‌نگار (فریبا داودی) که آن روزها در زندان بود، محاکمه و به زندان محکوم شد.

حالا آن خانم روزنامه نگار خودش آزاد است.

اما هنوز مشکل خانم حقیقت جو حل نشده است. ۹۵ درصد از مشکلاتی که برای نمایندگان اصلاح طلب به وجود آمده در واقع به خاطر دفاع از زندانیان و انتقاد به برخورد قوه قضائیه با مطبوعات بوده است. پرونده نمایندگان را ببینید. خوب دیگر چه کار باید می کردند؟ مگر اینکه مجلس را تعطیل و وضعیت فوق العاده به خاطر زندانی بودن چند دانشجو اعلام می کردند. این که شدنی و معقول نیست و اقدامی که مجلس انجام می دهد باید زمینه اش در افکار عمومی وجود داشته باشد. مجلسی که نمی توانست در مواردی که گفتید اعتصاب و... به راه بیندازد. نه افکار عمومی این آمادگی را داشت نه مجلس. چرا که نوشداروی بعد از مرگ سهراب بود.

به نظر من هیچ کدام از احکام درباره دانشجویان عادلانه نبود.

مثلاً درباره جوانی که آن روز برای اعلام اعتراض خودش یک پیراهن خونی را دست گرفته بود، مجازاتی را در نظر گرفتند که در زمان رژیم شاه هم سابقه نداشت. دانشجویی که اصلاً رابطه تشکیلاتی با هیچ گروهی نداشته به خاطر حمله به کوی دانشگاه دچار عصبانیت و احساسات شده بود و یک پیراهن خونی را روی دست بلند کرده بود. من نمی دانم کجای قانون آن را جرم دانسته و چنین محکومیت سنگینی را برایش در نظر گرفته است... البته اینطور که شما درباره پیگیری برای قتل های زنجیره‌ای و کوی دانشگاه سؤال می کنید، فکر می کنم کم کم بپرسید چرا به خاطر کودتای ۲۸ مرداد در مجلس وضعیت فوق العاده اعلام نشده است؟

احتمالاً شوخی می کنید و می دانید که سؤال های من چنین معنایی را نداشت؟

من می گویم اگر قرار باشد همین طور جلو برویم می توانیم برای کودتای ۲۸ مرداد که یک عمل بسیار خائنانه و مهمترین حادثه تاریخ معاصر ما بوده، پیگیری قاطع به عمل آوریم و مثلاً وضعیت فوق العاده اعلام کنیم.

حالا درباره کودتای ۲۸ مرداد نه! اما درباره دانشجویان زندانی، روزنامه نگاران زندانی و فعالان سیاسی که می توانید؟ به ویژه درباره دانشجویانی مثل احمد باطبی که با مظلومیت زیادی در زندان هستند نمی توانید اقدامی بکنید؟

البته شما هم درباره زندان و زندانی های سیاسی جوری حرف نزنید که مردم از آن بترسند. زندان خیلی هم چیز بدی نیست. من هر وقت با شهید رجایی در دوران نخست وزیری یا رئیس جمهوری اش درباره مشکلات روز صحبت می کردیم بی اختیار می گفتیم «یادش به خیر زندان» واقعاً زندان دوران خیلی خوبی است و فکر می کنم برای هر کسی حداقل یک دوره زندان رفتن لازم باشد.

آقای نبوی! حتماً منظورتان این نیست که فردی مثل آقای باطبی به خاطر یک پیراهن خونین ۱۵ سال در زندان بماند و تمام جوانی اش را از دست بدهد. تحمل این زندان برای او و بقیه دانشجویان چه فایده‌ای دارد؟ به ویژه این که شاید اصلاً انگیزه های سیاسی لازم را هم نداشته باشند.

بله می دانم. خصوصاً برای احمد باطبی که شاید واقعاً انگیزه‌ای هم برای تحمل زندان نداشته باشد. ممکن است بنده یک کاری بکنم و انگیزه اش را هم داشته باشم که اعدام شوم و یا حبس ابد بگیرم ولی یک جوانی که یک پیراهن را به دوستانش نشان داده، انگیزه‌ای برای تحمل زندان ندارد.

واقعاً قوه قضائیه ما باید به این موضوع فکر کند که تاریخ و دنیا و مهم تر از همه مردم خودمان در مورد احکام دادگاه هایش قضاوت خواهند کرد. واقعاً چطور می توانیم پاسخ آنها را بدهیم که یک جوان دانشجو را به خاطر یک پیراهن به ۱۵ سال زندان محکوم کرده‌ایم. تازه دانشجویی که معلوم هم شده با هیچ گروه سیاسی و فرقه‌ای رابطه نداشته است که بگوییم برنامه یک گروه برانداز سیاسی را اجرا کرده است و این پیراهن را نشان داده تا در کشور آشوب به راه بیندازد. کجای قانون و شرع به ما اجازه می دهد چنین فردی را به ۱۵ سال زندان محکوم کنیم. حرف شما صحیح است ولی اولاً این موارد یکی دوتا نیست، متأسفانه افراد زیادی در این سال ها این گونه محکوم شده‌اند که تصویر بدی از قوه قضائیه در منظر مردم، تاریخ، جهان و خدا ارائه می دهد و از هر جنبه که نگاه کنیم این احکام قابل توجیه نیست. ولی خوب این احکام صادر شده و اینها در زندان هستند، حالا ما اصلاح طلبان در مجلس برای آقای باطبی چه کنیم؟ یعنی می گویید ما اعتصاب غذا کنیم. تحصن کنیم که باطبی چه شود؟ باطبی باید در یک برنامه‌ای عفو شود، حتی ما می ترسیم اگر موضوع باطبی را و دیگر دانشجویان را بیش از حد سیاسی کنیم، برایشان مسأله بیشتری ایجاد شود. چون اختیار آزاد کردن باطبی که با ما نیست، می ترسیم کاری کنیم که به ضرر او تمام شود.

ادامه دارد

در تحصن معلمان یکی-دو نفر اعتراض می‌کردند که «چرا آقای کروبی برای بازداشت لقمانیان اداره مجلس را رها می‌کند اما برای احقاق حقوق ما رها نمی‌کند.» اگر قرار باشد برای هر موضوعی مجلس همان سرمایه‌گذاری برای لقمانیان را بکند، دیگر هیچ کاری نباید انجام بدهد

از همین حالا نداها و اولتیماتوم‌ها به ما رسیده که صلاحیت خیلی از نمایندگان فعلی تأیید نخواهد شد. نمایندگان اگر به خاطر خودشان می‌خواستند کار کنند، خب می‌ساختند، اصلاً لازم هم نبود بسازند کافی بود کمی ساکت باشند، منظم و مرتب بیایند و بروند تا این چهار سال تمام شود